

جنگ‌های اسرائیل و همزمنی منطقه‌ای



کیهان برزگر

استاد روابط بین‌الملل

رژیم اسرائیل با بهره‌برداری فرصت‌طلبانه و زنجیره‌وار از خلأ قدرت به‌وجود آمده بعد از تحولات ۱۷ اکتبر (عملیات طوفان الاقصی در غزه)، دکتترین جدید امنیت ملی خود را بر مبنای تأمین امنیت مطلق از طریق توسل به عملیات نظامی در کل جغرافیای منطقه در شرایط هرج و مرج تعریف کرده است. برخلاف دکتترین سنتی اسرائیل که بر حفاظت از مرزهای «قابل دفاع» در سوریه، لبنان و فلسطین تأکید می‌کرد، دکتترین جدید بر پیش‌دستی نظامی برای حذف تهدیدهای بالقوه در سرتاسر منطقه تکیه دارد. در این راستا، اسرائیل عملیات نظامی را در هر فرصت پدید آمده، حتی به قیمت تضعیف روندهای دیپلماتیک جاری، همچون مذاکرات هسته‌ای بین ایران یا آمریکا یا عادی‌سازی روابط با اعراب منطقه انجام می‌دهد. بمباران گسترده و بی‌تناسب روزهای اخیر اسرائیل به ستاد فرماندهی، کاخ ریاست جمهوری و وزارت دفاع سوریه در دمشق فراتر از حمایت از اقلیت دروزی‌های ساکن جنوب غربی سوریه، بیشتر نمایش قدرت یادگانی اسرائیل به منظور شکل‌دهی نظم جدید منطقه‌ای با محوریت خود است.

حمایت آمریکا از تثبیت همزمنی منطقه‌ای اسرائیل نه صرفاً به منظور موازنه‌سازی قدرت در منطقه، بلکه بیشتر با هدف تأمین منافع واشنگتن از طریق بازوی نظامی منطقه‌ای خود یعنی اسرائیل صورت می‌گیرد. حمایت ضمنی کشورهای اروپایی از رژیم نتانیاہو در این جنگ هم به نوعی با هدف تثبیت همزمنی اسرائیل در نظم جدید منطقه‌ای صورت می‌گیرد. فرانسوی‌ها هم اعلام کردند که در سرنگونی بعضی از پهپاد‌های ایرانی در طول جنگ ۱۲ روزه نقش مستقیم داشتند. یکی از اهداف اروپایی‌ها در تهدید به اجرای «اسنپ‌بک» (راه می‌توان به نوعی در راستای حمایت از محور قرار دادن اسرائیل در نظم منطقه‌ای از طریق بازگشت تحریم‌های اقتصادی و تضعیف قدرت ایران در منطقه در نظر گرفت. مهم‌ترین دلیلی که ایران را به پذیرش آتش‌بس قانع کرد امید به مذاکره هسته‌ای برای لغو تحریم‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی کشور بود. در روزهای آخر جنگ ایران در وضعیت برنده نظامی قرار گرفت و با بازیابی توان عملیاتی خود قادر به ضربه زدن جدی به اسرائیل بود. بر همین مبنا بود که جریانی در درون ایران خواهان تداوم عملیات جنگی به منظور حفظ موازنه قدرت به نفع ایران بود.

جنگ‌ها اغلب پویایی‌ها و واقعیت‌های جدیدی به یک منازعه طولانی وارد می‌کنند. جنگ ۱۲ روزه هم از این قاعده مستثنی نیست و لذا نمی‌توان به گذشته برگشت. یکی از نگاه‌های غالب قبل از تجاوز اسرائیل به کشورمان مسئله ضرورت خروج ایران از آن، بی‌تی به منظور افزایش چانه‌زنی ایران در مذاکرات هسته‌ای بود، اما با پویایی‌های جدید از حمله بمباران تأسیسات هسته‌ای و تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از آخرین وضعیت تأسیسات اتمی ایران، اکنون مایلان منع اشاعه هسته‌ای خود به ابزاری برای چانه‌زنی تبدیل شده است. بعد از آتش‌بس مجلس همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به حال تعلیق در آورد و آن را منوط به تصمیم شورای عالی امنیت ملی کشور کرد. بااین تحول، اکنون ایران تنها مرجعی است که می‌تواند شرایط میدانی را برای راستی‌آزمایی در مورد وضعیت تأسیسات هسته‌ای و سرنوشت اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد بعد از بمباران آمریکا فراهم کند. به واقع، اجازه دسترسی دادن یا ندادن ایران به بازرسان آژانس خود یک اهرم چانه‌زنی برای دیپلماسی کشورمان است.

به عبارت دیگر با پویایی‌های جدید ناشی از جنگ، پرسش این است که ایران خود اکنون خواهان فروپاشی این نظام هست یا به حضور در آن برای تداوم دیپ‌لماسی و افزایش قدرت چانه‌زنی خود نیاز دارد؟ اما نمایش قدرت یادگانی، همان‌با سیاست ایجاد ترور و وحشت و خرابکاری از سوی رژیم فعلی اسرائیل در منطقه همزمان نگرانی‌های جدی در میان اعراب منطقه و ترکیه ایجاد کرده که دامنه تجاوز نظامی و هراس افکنی نتانیاہو تا کجا در جغرافیای منطقه ادامه می‌یابد و دکتترین جدید نظامی اسرائیل چگونه عدالات سیاسی و امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ به عنوان نمونه، نقش فراینده اسرائیل در معادلات قدرت داخلی سوریه در روزهای اخیر بی‌تردید منجر به نارضایتی جهان عرب، به ویژه عربستان سعودی و مصر می‌شود. ترکیه هم نگرانی‌های سیاسی – امنیتی ویژه خود را در نتیجه تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع اسرائیل دارد. جلوگیری از سیاست همزمنی طلبانه اسرائیل در شکل‌دهی یک نظم منطقه‌ای دلخواه، نیازمند بکاگیری یک سیاست خارجی هوشمند و فعال از سوی ایران است. از یک سو، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و حرکت به سوی یک اتحاد برای صلح منطقه‌ای در قالب فعالیت‌های دیپلماتیک و برگزاری کنفرانس‌های ابتکاری با مشارکت کشورهای منطقه باید در دستور کار سیاست خارجی کشورمان قرار گیرد. از سوی دیگر، توان تهاجمی و آمادگی نظامی کشور برای پاسخگویی به هرگونه تجاوز مجدد اسرائیل یا آمریکا باید تقویت شود. فراموش نکنیم ایران تنها کشوری است که از پس اسرائیل (با حمایت لجستیک و اطلاعاتی آمریکا) در دهه‌های اخیر برآمده است. عدم موفقیت اسرائیل و آمریکا در دستیابی به تمامی اهداف جنگی خود به معنای عدم شکست ایران در این مرحله از جنگ است. همزمان باید مذاکرات جدی با اروپایی‌ها برای عدم اجرای اسنپ‌بک یا حداقل تمدید زمان اجرای آن با هدف خشی کردن سیاست اسرائیل آغاز شود. قدرت‌های اروپایی بی‌تردید درک می‌کنند که با اجرایی کردن اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل، ایران دلیل قانع‌کننده‌ای دیگری برای کاهش تنش و پیگیری دیپلماسی نخواهد داشت. نتیجه اجرای اسنپ‌بک می‌تواند خروج ایران از قرارداد منع اشاعه هسته‌ای باشد که خود ریسک فروپاشی کامل نظام اشاعه هسته‌ای را در بر خواهد شد. بازنده اصلی این تحول هم اروپایی‌ها خواهند بود که موازنه نقش مستقل جهانی خود را در نزد آمریکا، چین و روسیه از دست می‌دهند.

حشمت‌ا... فلاح‌پیشه در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

آمریکا به دنبال

نظام ارباب‌ورعیتی

در خاورمیانه



جنگ اسرائیل علیه سوریه یکی از واقعی‌ترین تحولات جهان امروز است

احساس ناامنی باعث شده اسرائیل همگان را به عنوان دشمن قلمداد کند

آرمان‌ملی – احسان انصاری: حمله اسرائیل به سوریه به پنهان‌حمایت از دروزی‌ها و هدف قرار دادن مقرر ریاست جمهوری این کشور این پرسش را در بین تحلیلگران سیاسی به وجود آورده که چرا یا به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، نتانیاہو اقدامات مهم‌تر و جدی‌تری نسبت به رقبای منطقه‌ای خود انجام می‌دهد و وی در آینده چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ نتانیاہو در ۸ مارس ۲۰۲۴ یعنی یک روز پس از حمله حماس به صراحت اعلام کرد که از این پس دنبال تغییر مرزهای خاورمیانه و تحولات جدید در منطقه به سود اسرائیل است. شاید در آن مقطع زمانی برخی حرف‌های او را در راستای‌های توهم قدرت معنا کردند، اما به مرور زمان مشخص شد که وی به دنبال عملی

مهم‌ترین اهداف اسرائیل از حمله به سوریه و به‌خصوص مقرر ریاست جمهوری این کشور چیست؟

حملات اسرائیل به سوریه در راستای اهداف بلندمدت اسرائیل صورت می‌گیرد. این حملات نیز بیش از آنکه پیام پیروزی برای اسرائیل باشد پیام وحشتی است که یهودیان در جهان و به‌خصوص در اسرائیل دریافت می‌کنند. تحولات اخیر نشان می‌دهد که در چارچوب موفقه‌های امنیتی اسرائیل هیچ تصویری از همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه وجود ندارد. اسرائیل در زمان حکومت بشار اسد صدها بار به سوریه حمله کرد اما در شرایط کنونی که حکومت اسد سقوط کرده، حملات سنگین‌تری را انجام می‌دهد. در حال حاضر حکومت‌های ایران و سوریه با هم مخالف هستند و در یک جبهه قرار نمی‌گیرند، این در حالی است که هر دو کشور برای اسرائیل به عنوان دشمن شناخته می‌شوند. شرایط به شکلی است که اسرائیل در طول یک ماه با ایران و سوریه وارد جنگ شده است. این موضوع نشان می‌دهد که آن دسته از کارشناسانی که در سال ۱۹۱۷ میلادی پس از «بیانیه بالفور» نگران این موضوع بودند که ایجاد یک کشور یهودی‌نشین در قلب خاورمیانه کار صحیحی نیست و این کشور هیچ‌گاه رنگ ثبات و آرامش را به خود نخواهد دید درست بوده است. امروز پس از ۱۰۰ سال واقعیت‌ها به ما می‌گوید که موجودیتی به نام اسرائیل در خاورمیانه قابلیت بقا ندارد. اسرائیل به بهانه حمایت از دروزی‌ها تلاش می‌کند سه استان مرزی سوریه را تحت سیطره خود در بیاورد. اسرائیل به خوبی می‌داند که بسیاری از اختلافاتی که امروز در منطقه وجود دارد مقطعی است و اختلافات حل‌نشده منطقه اختلافاتی است که تحت عنوان اختلافات ایدئولوژی‌های دینی در منطقه شکل گرفته است. در رأس این ایدئولوژی‌ها خریدی‌ها در اسرائیل است که معتقد به جنگ‌های آخرازمایی هستند. در نگاه خریدی‌ها تشیع، تسنن و حتی اقلیت‌های مسیحی در منطقه به عنوان دشمنان اسرائیل به شمار می‌روند. به همین دلیل بود که اسرائیل در همان روز که به سوریه حمله کرد به یک کلیسا در غزه هم حمله کرد. من معتقدم جنگ اسرائیل علیه سوریه یکی از واقعی‌ترین تحولات در جهان امروز بود.

چرا واقعی‌ترین تحول در جهان امروز بود؟

اسرائیل به خوبی می‌داند که بسیاری از اختلافاتی که امروز در منطقه وجود دارد مقطعی است و اختلافات حل‌نشده منطقه اختلافاتی است که تحت عنوان اختلافات ایدئولوژی‌های دینی در منطقه شکل گرفته است



کردن طرح موسوم به «خاورمیانه بزرگ» است. طرح خاورمیانه جدید به دو مفهوم اشاره دارد: طرح بینون و طرح خاورمیانه بزرگ طرح بینون، یک طرح استراتژیک اسرائیلی است که تجزیه کشورهای منطقه به کشورهای کوچک‌تر را پیشنهاد می‌کند. طرح خاورمیانه بزرگ، یک اصطلاح سیاسی است که توسط دولت بوش برای اشاره به یک منطقه وسیع‌تر از خاورمیانه به کار برده می‌شود و اغلب به عنوان خاورمیانه جدید یا طرح خاورمیانه بزرگ شناخته می‌شود. «آرمان‌ملی» برای تحلیل و بررسی این مسأله با دکتر حشمت‌ا... فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی و تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

و این کار را با پشتوانه ترامپ انجام می‌دهد. با این وجود به نظر می‌رسد ترامپ هر چه بیشتر تحولات رخ بدهد نسبت به رفتارهای نتانیاہو نگران‌تر خواهد شد. ترامپ می‌داند که رابطه اسرائیل با آمریکا رابطه‌ای پرهزینه برای آمریکا خواهد بود و از این زاویه ترامپ حاضر نیست روابط پرسود خود با دیگر کشورهای منطقه را فدای چنین رابطه پرهزینه‌ای کند و در این راستا مشاهده می‌شود که ترامپ از ورود آمریکا به جنگ‌های مدیریت‌نشده اسرائیل خودداری می‌کند.

ایران در پازل ترامپ و نتانیاہو در چه وضعیتی قرار دارد و با توجه به اقدامات اخیر اسرائیل آیا احتمال وارد شدن این رژیم با ایران در آینده وجود ندارد؟

اگر اسرائیل احساس تهدید کند، حملاتی را که به سوریه داشت، در عراق و برخی کشورهای منطقه هم تکرار خواهد کرد، با این حال تحولات اخیر در سوریه باعث نزدیکی‌های ایران و ترکیه خواهد شد

من معتقدم آقای پزشکیان باید تحولات منطقه را به عنوان یک فتنه ارزیابی کند. فتنه یا تحولات واقعی متفاوت است. گاهی تحولات در مسیر واقعی خود قرار دارد که در این وضعیت تشخیص دوست از دشمن مشخص است. به روشنی می‌توان دید که آنچه امروز در خاورمیانه جریان دارد، یک فتنه است که پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ آغاز شد و نتانیاہو به سرعت در رأس آن قرار گرفت. امروز اسرائیل در حال تحمیل شرایطی است که این رژیم به عنوان تنها قدرت خاورمیانه شناخته شود. من معتقدم اگر اسرائیل احساس تهدید کند حملاتی را که به سوریه داشت، در عراق و برخی کشورهای منطقه هم تکرار خواهد کرد. با این حال تحولات اخیر در سوریه باعث نزدیکی کشورهای مانند ایران و ترکیه خواهد شد. تحولات اخیر به خوبی نشان داد که ترکیه نمی‌تواند این تحولات را در راستای ملاحظات ناتو دنبال کند. در واقع نه تنها دولت ترک‌ها در تغییر رژیم سوریه به نتیجه مطلوب نرسید و بلکه برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم ترکیه را با یک تهدید ملموس مواجه کرده است. در آینده ترک‌ها در استان‌های کردنشین سوریه تا استان‌های هم‌مرز با اسرائیل را مشکلات جدی مواجه خواهند شد. من معتقدم اگر اسرائیل در سر کنترل خود بر سوریه کشور ترکیه را به عنوان مانع ببیند قطعاً در آینده شاهد تنش بین اسرائیل و ترکیه خواهیم بود. تحولات سوریه نشان داد که اسرائیل آینده امنی را برای خود نمی‌بیند و به همین دلیل همگان را به عنوان دشمن قلمداد می‌کند.

اروپایی‌ها به تنهایی نمی‌توانند به مکانیزم ماشه متوسل شوند

ما می‌خواهیم که ایران به سلاح هسته‌ای دسترسی پیدا نکند و راه دیپلماسی هم باز است. این دیپلمات‌ها سابقه در خصوص برخی اظهارنظرها مبنی بر اینکه استفاده از مکانیزم ماشه قانونی نیست و اگر ایران سطح غنی‌سازی را افزایش داده بر اساس مفاد برجام و اقدامی متقابل در مورد عدم انجام تعهدات طرف مقابل بوده است، گفت: متن برجام و مکانیزمی که در برجام پیش‌بینی شده برای رفتن به سمت استفاده از اسنپ

یک، به این جزئیات اشاره نکرده است. اگر ماشه تشخیص دهم که یک کشور به تعهداتش عمل نکرده، می‌توانیم شاکویشویم و نامه بنویسیم. این نامه مسیر خود را طی می‌کند؛ اول به کمیسیون بررسی شکایت می‌رود که بررسی شکایت کند، بعد اگر حل‌نشد، به

همه ابزار لازم در اختیارش نیست. وی با تأکید بر اینکه تنها ابزاری که اروپایی‌ها برای فشار دارند تابراز وجود کنند و خودشان را در مذاکرات نشان دهند، بحث مکانیزم ماشه است، تصریح کرد: در بحث این مکانیزم، عمدتاً فرانسوی‌ها هستند که فعال مایشا هستند. البته می‌توان گفت انگلیسی‌ها هم در مکانیزم ماشه حضور دارند، در بحث برجام، آلمانی‌ها هم هستند و خود اتحادیه اروپا و مسئول سیاست خارجی اتحادیه، یعنی کل ۲۷ کشور هم در این مجموعه قرار دارند، اما ابوالقاسم دلفی افزود: اگرچه روابط ما با اروپا مدت‌هاست وضعیت خوبی ندارد و به نظر می‌رسد افراد کمی در کشور غیر از دولت، دنبال این باشند که روابط با اروپا را سرو سامان بدهند. دولت هم که دنبال این است

سفیر سابق ایران در فرانسه رابطه با تهدیدات اروپایی‌ها مبنی بر فعال‌سازی مکانیزم ماشه، گفت: مکانیزم ماشه ابزاری در دست اروپایی‌هاست که در برجام هنوز باقی مانده‌اند. آنها در مذاکرات هسته‌ای ما و آمریکا هیچ جای پای ندارند و آمریکایی‌ها، یعنی ترامپ، نمی‌خواهند آنها راه دهند و تا حالا هم راه نداده‌اند. ما هم یا به دلیل برداشت‌مان از مواضع آمریکا یا موارد دیگر آن‌ها را دخالت ندادیم و در این مدت نیز خیلی میانه‌خوشی با اروپایی‌ها نداشته‌یم. ابوالقاسم دلفی افزود: اگرچه روابط ما با اروپا مدت‌هاست وضعیت خوبی ندارد و به نظر می‌رسد افراد کمی در کشور غیر از دولت، دنبال این باشند که روابط با اروپا را سرو سامان بدهند. دولت هم که دنبال این است

گزارش

شوگ چرخش ترامپ به دنیا

اروپا برای ایفای نقش موثر در پرونده هسته‌ای ایران با چه چالش‌هایی روبروست؟

حمله هوایی تجاوزگرانه ایالات متحده علیه سه تأسیسات هسته‌ای ایران در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵، شوکی عمیق به سراسر جهان وارد کرد. این اقدام، چرخشی آشکار در سیاست دولت ترامپ بود که به تازگی مذاکراتی را با تهران درباره برنامه هسته‌ای آغاز کرده بود. آمریکا که دیپلماسی را کنار گذاشته بود، برای نخستین بار تصمیم گرفت به‌طور مستقیم در منازعه جاری میان اسرائیل و ایران مداخله نظامی کند. کانورسیشن مدعی شد: دولت‌های اروپایی همواره در ظاهر خواستار راه‌حل دیپلماتیک برای مهار برنامه هسته‌ای تهران بوده‌اند. با این حال، واکنش پایتخت‌های اروپایی به بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط آمریکا به طرز شگفت‌آوری کم‌رنگ بود. اوزرولافون دل‌این، رئیس کمیسیون اروپا، مدعی «حق اسرائیل برای دفاع از خود» شد. فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان نیز به همان اندازه حمایت‌شان داد و ادعا کرد: «این کاری است که اسرائیل دارد به نیابت از همه ما انجام می‌دهد». همچنین بیانیه‌ای مشترک از سوی سه کشور اروپایی (فرانسه، بریتانیا و آلمان) لتوایا حمله آمریکا را به عنوان اقدامی ضروری برای جلوگیری از احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای توجیه کرد. واکنش‌های اروپا به حملات هوایی اسرائیل و آمریکا قابل توجه بود، زیرا تقریباً هیچ‌کس بختی درباره غیرقانونی بودن این حملات به میان نیامد. این در حالی است که اروپا در سال ۲۰۲۲، زمانی که روسیه زیرساخت‌های انرژی هسته‌ای غیرنظامی در اوکراین را هدف قرار داد، هیچ‌گونه تردیدی در محکوم کردن آن وجود نداشت.

نقش منفعل اروپا

اما این واکنش کم‌رنگ نشان‌دهنده نقش منفعلانه اروپا نیز بود؛ نقشی که در تضاد با مواضع گذشته آن در این زمینه است. برنامه هسته‌ای ایران برای سال‌ها در کانون دیپلماسی اروپا قرار داشت. سه کشور اروپایی از سال ۲۰۰۴ مذاکرات با تهران را آغاز کرده بودند. آن‌ها همچنین در تسهیل توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ – موسوم به برجام – که با حضور روسیه، اتحادیه اروپا، چین، آمریکا و ایران منعقد شد، نقشی کلیدی ایفا کردند. حتی پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از این توافق در سال ۲۰۱۸ در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، اروپایی‌ها تلاش کردند تا این توافق را حفظ کنند. اکنون اروپا برای بازگشت به نقشی مؤثر در قبال برنامه هسته‌ای ایران، با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است. در واقع، ایفای نقشی مفید در دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید با ایران مستلزم آن است که اروپا شکاف عمیق خود با تهران را ترمیم کند، بر اختلافات داخلی‌اش درباره خاورمیانه غلبه یابد، و همچنین با دولت ترمیمی کنار بیاید که به نظر می‌رسد تمایلی به ایفای نقش یک متحد قابل اعتماد برای اروپا را ندارد.

شکاف فراینده میان ایران و اروپا

پس از سال ۲۰۱۸، روابط ایران و اروپا به‌طور محسوسی رو به خامت گذاشت. از سوی دیگر، اروپا به شدت از ارسال پهپاد‌های ایرانی به سوریه برای کمک به تهاجم نظامی آن کشور به اوکراین انتقاد کرد. در سوی مقابل، ایران نیز به شدت با حمایت اروپا از جنگ اسرائیل در نوار غش‌های محلات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ مخالفت کرد. این تنش‌های عمیق همچنان مانعی جدی بر سر راه مذاکرات سازنده در زمینه هسته‌ای است. در سال ۲۰۱۵، اروپا توانست جبهه‌ای نسبتاً یکپارچه در حمایت از توافق هسته‌ای با ایران ارائه دهد که بخشی از آن ناشی از محدود بودن دامنه توافق بود. اما با فروپاشی رژیم عدم اشاعه بر اثر اقدامات یک‌جانبه دولت ترامپ و گسترش جنگ در منطقه، اکنون بسیار دشوارتر شده است که دیپلمات‌های اروپایی بتوانند اوضاع را به حالت پشیمین بازگردانند.

اروپا در سایه ترامپ

اتحادیه اروپا به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ افتخار ویژه‌ای می‌کند، چرا که آن را نمادی از دیپلماسی چندجانبه می‌دانست. این توافق قدرت‌های بزرگ جهانی را گرد هم آورد تا در راستای تقویت رژیم عدم اشاعه هسته‌ای همکاری کنند. اما ده سال پس از آن توافق، چشم‌انداز تکرار چنین همکاری بین‌المللی‌ای بسیار دور را در دسترس به نظر می‌رسد. روابط اروپا با چین و روسیه – دو امضاکننده کلیدی توافق در سال‌های اخیر به شدت تیره شده و روابط با ایالات متحده در دوران ترامپ نیز به‌ویژه دشوار بوده است. در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، تعامل با واشنگتن برای اروپا معضلی بسیار پیچیده و دوگانه ایجاد کرده است. تلاش برای ترسیم مسیری مستقل ممکن است در ظاهر جذاب باشد، اما در این مرحله از اعتبار جدانی برخوردار نیست. گفت‌وگوها و مستقیم اخیر با مذاکره‌کنندگان ایرانی نتیجه خاصی در پی نداشت، و اروپا نیز در موقعیتی نیست که بتواند به ایران تضمینی بدهد مبنی بر اینکه در آینده هدف حملات جدید اسرائیل قرار نخواهد گرفت. علاوه بر این، پیگیری یک مسیر مستقل می‌تواند به‌سادگی خشم ترامپ را برانگیزد؛ چیزی که اروپایی‌ها به شدت مایل به اجتناب از آن هستند. فهرست اختلافات فراتلانتیک، از مسائل تجاری گرفته تا جنگ اوکراین و هزینه‌های دفاعی، به اندازه کافی طولانی است که سیاست‌گذاران اروپایی را نسبت به سرمایه‌گذاری زمان و منابع در هر موضوعی که ترامپ ممکن است به راحتی آن را بر هم بزند، مردد سازد. ترامپ نیز نسبت به توان دیپلماسی اروپایی بی‌اعتناست. او اخیراً اعلام کرده که ایران تمایلی به گفت‌وگو با اروپا ندارد، و در عوض اولویت را به مذاکرات دوجانبه با تهران داده است.